



سید محمد حسینی

سفیر اسبق ایران در عربستان

سیاست خارجی ایران در یکی از حساس‌ترین بزنگاه‌های تاریخی خود قرار گرفته است. خطر وقوع جنگ نه تنها حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بلکه ژئوپلیتیک ایران را نشانه گرفته است. از یک سو آمریکا و اسرائیل به جنگ تهدید می‌کنند و از سوی دیگر اروپا به استفاده از مکانیزم ماشه و بازگشت همه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل تهدید می‌کند که پیش از توافق پِرجام صادر شده بود. این تهدیدات یا بلوف هستند یا واقعی! اما منطق حکمرانی و عقل سلیم حکم می‌کند هر دو تهدید را باید جدی تلقی کرد و با همه ابزارها به دنبال دفع آنها بود. دیپلماسی به معنای کلاسیک آن یعنی سیاست وریزی و استراتژی به معنای کلاسیک آن یعنی جنگ، اکنون در اصلی‌ترین ابزار برای مقابله با تهدیدها شکل گرفته علیه ایران است و بالطبع دیپلماسی با همه وجوه آشکار و پنهان آن عقلایی‌ترین و کم هزینه‌ترین راه برای دفع تهدیدهاست. در کنار گفت‌وگوهای غیرمستقیم و مستقیم با آمریکا و اروپا و سایر بازیگران مؤثر، یکی دیگر از راهکارهای دیپلماتیک، بهره‌مندی از شکاف‌ها و فضاهایی است که در رقابت قدرت‌های بزرگ با یکدیگر و با تعارض منافع بازیگران با یکدیگر ایجاد می‌شود.

تعارض منافع میان بازیگران نظام بین‌الملل و رقابت میان قدرت‌های بزرگ همواره زمینه‌هایی برای کنشگری دیگر بازیگران ایجاد می‌کند. دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف ثابت کرده‌اند کنشگرانی قهار در بهره‌مندی از شکاف میان قدرت‌های بزرگ بوده‌اند. تعارض منافع میان رقبای منطقه‌ای نیز همواره فضایی برای کنشگری و بهره‌مندی برای سیاست خارجی ایران فراهم کرده است. رصد و دیدبانی تحولات منطقه‌ای پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ و به خصوص پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا نشان می‌دهد؛ میان آمریکا و اسرائیل اختلافاتی در خاورمیانه ایجاد شده است. سؤال کلیدی این است که آیا این اختلافات راهبردی است و یا اختلافاتی بر سر تعارض منافع است؟ برای پاسخ به این سؤال می‌توان از تحلیل تاریخی و مقایسه دو مقطع تاریخی با هم کمک گرفت.

با آغاز جنگ جهانی دوم، انگلستان که در آن زمان یکی از قطب‌های قدرت جهانی بود و طی ۳۰ سال قیمومیت سرزمین‌های فلسطینی را بر عهده داشت و پدرخوانده اسرائیل محسوب می‌شد؛ بر اساس منافع استراتژیک خود در جنگ جهانی دوم تصمیم گرفت کفه حمایتی خود را از یهودیان مهاجر به فلسطین کم کند و به اعراب اضافه کند. این حمایت از اعراب در کتاب سفید چرچیل ۱۹۳۹ متجلی شد. کتاب سفید که در دوره قیمومیت سه بار تجدید یاب چاپ شد، میزان مهاجرت یهودیان را اراضی اختصاص یافته به یهودیان را معین می‌کرد و چرچیل در کتاب ۱۹۳۹ محدودیت‌های جدی برای مهاجرت یهودیان و محدودیت‌هایی برای اشغال سرزمین‌های فلسطینی برای یهودیان وضع کرد که با حمایت اعراب و اعتراض شدید یهودیان مواجه شد.

در این کتاب ۱۲ صفحه‌ای برای مهاجرت سقف ۴۵۰ هزار نفر و سقفی پیش از یک سوم اراضی فلسطین معین شد. یهودیان و صهیونیست‌های عصبانی از کتاب سفید شعار می‌دادند؛ چنانچه طرف مقابل در جنگ جهانی دوم نظام فاشیستی هیتلر نبود؛ همه یهودیان به واسطه کتاب سفید ۱۹۳۹ به جنگ انگلستان می‌رفتند. تصمیم انگلستان برای حمایت از کشورهای عربی البته بنابر مصالح سیاست‌های جهانی انگلستان در حین جنگ جهانی دوم بود تا از اتحاد اعراب با شوروی و آلمان جلوگیری کند و منافع دائمی انگلیس در سوئز، خلیج فارس و هندوستان را حفظ کند اما همین تغییر رویکرد موجب جدایی و طلاق عاطفی صهیونیست‌ها از انگلستان شد و صهیونیست‌ها را به دامان آمریکا به عنوان حامی جدید سوق داد. حالا مشابهت‌های تاریخی را می‌توان در این مقطع پیدا کرد. آمریکا منافع زیادی در جهان عرب به خصوص در خلیج فارس برای خود تعریف کرده است اما آیا این منافع موجب رهاکردن اسرائیل و طلاق عاطفی اسرائیل از آمریکا می‌شود؟ آیا اسرائیل از آمریکا جدا شده و به سمت اروپا می‌رود تا زین پس نیروی نیابتی اروپا در خاورمیانه باشد؟ قضاوت در این باره کمی زود است و شاید بتوان گفت جدا شدن اسرائیل از آمریکا و انکای محض به اروپا، تحلیلی با پیشوانه‌های نظری ضعیف است، اما می‌توان تعارض منافع میان آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه را امری مسلم دانست و از شکاف ایجاد شده برای کاهش تهدیدات علیه ایران بهره برد. چگونه؟ به نظر می‌رسد تقویت روابط ایران با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به خصوص عربستان می‌تواند بازی چند سر برد برای ایران ایجاد کند که یکی از آنها، استفاده بهیمن از تعارض منافع آمریکا و اسرائیل به سود ایران است؛ بهبود و توسعه روابط ایران و عربستان در شرایط کنونی مزایای پیش‌رو را برای ایران به همراه دارد؛ نخست؛ توسعه روابط با عربستان؛ لابی عربستان در آمریکا را برای دور کردن جنگ از منطقه فعال می‌کند؛ دوم؛ آمریکا را به توافقی مرضی‌الطرفین با ایران ترغیب خواهد کرد؛ سوم؛ فرایند عادی‌سازی روابط عربستان با اسرائیل را (که در مختصات خود، ۱۷ اکتبر ثانویه است و ساختار قدرت در جهان اسلام را به ضرر ایران تغییر می‌دهد)؛ تا مدت‌ها به تعویق می‌اندازد؛ چهارم؛ نقشه اسرائیل برای ایجاد دو قطبی میان ایران و اعراب و پروژه منزوی سازی و یا «کنارگذاری» ایران (Irrelevance) از ترتیبات سیاسی و اقتصادی منطقه را با چالش جدی مواجه می‌کند؛ پنجم؛ توسعه روابط با عربستان در بستری پایدار و مبتنی بر منابع داخلی، ژئوپلیتیک منطقه‌ای و الزامات سیستمیک، ثبات در خلیج فارس را تقویت و با لمأل عناصر منطقه‌گرایی درون‌زا رافعال می‌کند.

و در نهایت؛ وسعه روابط با عربستان، سیاست همسایگی ایران با سایر کشورهای عربی را تسهیل و ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی ایران را در منطقه آزاد خواهد کرد.



آرمان ملی – احسان انصاری؛ معادلات در درون جریان اصولگرایی در حال تغییر است. جبهه پایداری تلاش زیادی کرد تا قالیلیاف دوباره به عنوان رئیس مجلس انتخاب نشود که در این زمینه ناکام ماند و قالیلیاف با رأی کم‌سابقه نمایندگان مجلس دوباره به عنوان رئیس مجلس انتخاب شد. نکته مهم در این زمینه اما اظهارات محسن منصوری رئیس ستاد انتخابات سعید جلیلی در انتخابات ریاست جمهوری گذشته بوده است. جایی که وی جلیلی را گزینه مناسبی برای حضور در انتخابات ندانسته و با عنوان اینکه در جامعه رأی منفی داشته، فتاح را گزینه مناسب‌تری معرفی کرده است. اظهاراتی که نشان می‌دهد اصولگرایان در درون با چالش‌هایی جدی مواجه هستند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این مسائل با دکتر محمدعلی پورمختار نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کرده است. پورمختار در این زمینه معتقد است: «آقای

◀ **قالیلیاف در حالی دوباره به عنوان رئیس مجلس انتخاب شد که جبهه پایداری تلاش‌های زیادی برای تغییر وی انجام داد. اباقی وی به عنوان رئیس مجلس چه تأثیری در روند تصمیم‌گیری در مجلس خواهد داشت؟**

در مجلس دیدگاه‌ها و صدا‌های متفاوتی وجود دارد. این وضعیت در همه مجالس گذشته نیز وجود داشته است. در مجالس گذشته نیز نمایندگان همواره از یک نفر برای ریاست مجلس حمایت نمی‌کردند و مجلس دوازده‌هم نیز از این وضعیت مستثنای نیست. به حال حال نمایندگانی که در مجلس حضور دارند دیدگاه‌های مختلفی درباره آقای قالیلیاف دارند و این تفاوت دیدگاه‌ها تنها درباره جبهه پایدار وجود ندارد. البته بی‌اخلاقی‌هایی مانند ارسال پیامک برای نمایندگان قبل از انتخاب رئیس مجلس صورت گرفت که جای تأمل و بررسی دارد. این وضعیت در انتخابات دیگر نیز در کشور رخ می‌دهد و ما شاهد رفتارهایی هستیم که زیاد زیننده نیست. براساس تجربه‌ای که بنده در مجلس دارم ارسال چنین پیامک‌ها و بی‌اخلاقی‌هایی که در این فضا صورت می‌گیرد در نهایت در تصمیم‌نماینندگان تأثیر عکس می‌گذارد. در واقع نمایندگانی که با تردید نیز مواجه هستند با مشاهده این وضعیت تصمیم دیگری می‌گیرند و به خواسته‌های مطرح شده در این پیامک‌ها اعتنا نمی‌کنند. در نهایت نیز نمایندگان مجلس رأی کم‌سابقه‌ای به آقای قالیلیاف دادند که این اتفاق در مجالس گذشته کمتر اتفاق افتاده بود. این اتفاق درسی برای کسانی است که تلاش می‌کنند با تخریب رقیب خود را بالا بکشند و اجازه انتخاب شدن رقیب خود را ندهند.

◀ **به چه میزان انتقاداتی که جبهه پایداری به قالیلیاف داشت را واقعی می‌دانید؟**

انتقادات درباره ریاست آقای قالیلیاف در مجلس از مجلس یازدهم آغاز شد و تا امروز ادامه داشته است. اتفاقاتی که در دوران مدیریت ایشان در شهرداری تهران وجود داشت و همچنین ماجرای سفر خانوادگی ایشان به ترکیه و خرید سیستمونی از جمله مسائلی بوده که همواره پیرامون آقای قالیلیاف وجود داشته است. البته واقعیت این است که در شرایطی که قرار است ریاست مجلس انتخاب شود برخی این مسائل را به صورت پنهان تراشی درباره آقای قالیلیاف مطرح می‌کنند. البته هر فردی ممکن است در زندگی خود اقدامات و رفتارهایی را از خود نشان بدهد که از دیدگاه دیگران خوشایند نباشد و این موضوع تنها درباره آقای قالیلیاف وجود ندارد. این روند طبیعی است که در انتخابات رقبا تلاش کنند روی نقاط ضعف هم مانور بدهند تا بتوانند در انتخابات به نتیجه دلخواه دست پیدا کنند. البته ممکن است این نقاط ضعف در واقعیت هم وجود داشته باشد اما این موضوع در زمان انتخابات شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد تا رقیب بتواند به نتیجه دلخواه دست پیدا کند. این وضعیت در انتخابات اخیر هئیت رئیسه و به خصوص رئیس مجلس نیز وجود داشت و برخی تلاش کردند از نقاط ضعفی که وجود دارد برای تغییر رئیس مجلس استفاده کنند که البته در نهایت نتوانستند به اهداف خود دست پیدا کنند.

آرمان ملی؛ بازداشت غلامرضا قاسمیان،

یک روحانی ایرانی در عربستان با واکنش‌های زیادی در ایران همراه بوده است. محمدمرضا عارف صبح چهارشنبه در جلسه هیات دولت اظهار کرد: همه دولت‌های منطقه متوجه هستند که نظریک فرد ربطی به دولت ندارد و باید موضوع‌گیری‌ها بر اساس مبادی رسمی انجام شود تا به این مسیر خوب و رو به گسترش همکاری با کشورهای منطقه، همسایه و اسلامی آسیب وارد نشود و این روابط باقوت ادامه یابد.

همچنین جواد امام سخنگوی جبهه اصلاحات در ایکس نوشت: در حالی که برخی از مسئولان کشور از تلاش برای آزادی قاسمیان و گفت‌وگو با مسئولان عربستانی خبر می‌دهند، سخنگوی جبهه اصلاحات ایران نوشته که آیا دستگاه‌های امنیتی که

محمدعلی پورمختار در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اصولگرایان به دنبال عبور از جلیلی نیستند

فتاح قصدی برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری ندارد

اصولگرایان همچنان روی جلیلی تأکید خواهند داشت

بی‌اخلاقی‌های صورت گرفته در انتخاب رئیس مجلس نتیجه عکس داشت

جبهه پایداری تلاش کرد از نقاط ضعف قالیلیاف

برای تغییر رئیس مجلس استفاده کند

منصوری دیدگاه‌های شخصی خود را مطرح کرده‌اند و به همین دلیل دیدگاه‌های شخصی زیاد جای تحلیل ندارد. آقای منصوری نیز اصولگرایی است که تازه به عالم سیاست پیوسته است. ایشان فرد ناشناخته‌ای بوده تا اینکه استاندار تهران شدند و در نهایت در دولت مرحوم رئیس به عنوان معاون اجرایی رئیس جمهور فعالیت می‌کردند. من بعید می‌دانم که اصولگرایان به صورت کلی و حتی بخشی از اصولگرایان سنتی نیز به دنبال این باشند که از آقای جلیلی عبور کنند. از سوی دیگر آقای منصوری عنوان کرده‌اند که بهتر بود از آقای فتاح می‌خواستیم در انتخابات حضور پیدا کنیم که این بخش صحبت‌های ایشان نیز واقعی نیست. با توجه به شناختی که بنده از آقای فتاح دارم ایشان هیچ قصدی برای حضور در انتخابات ندارند و در آینده نیز نخواهند داشت. در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

به شمار می‌رود. ایشان از نظر روش و منش نیز به دیدگاه‌های جریان اصولگرایی باور دارد و آنها را اجرا می‌کند. این وضعیت درباره سیاست داخلی و به خصوص سیاست خارجی وجود دارد و ایشان دارای دیدگاه‌ها و برنامه‌هایی هستند که مورد نظر جریان اصولگرایی قرار دارد. به همین دلیل من معتقدم اصولگرایان همچنان روی آقای جلیلی تأکید خواهند داشت.

◀ **این سخن به معنای این است که جلیلی دوباره در انتخابات بعدی ریاست جمهوری کاندیدا خواهد شد؟**

به هر حال این احتمال وجود دارد. البته هنوز زمان زیادی تا انتخابات ریاست جمهوری مانده و ممکن است اتفاقات شرایط را تغییر دهد، اما اگر چهره جدیدی وارد عرصه انتخابات نشود احتمال حضور آقای جلیلی در انتخابات ریاست جمهوری وجود دارد.

◀ **رئیس ستاد انتخابات جلیلی عنوان کرده ایشان رأی منفی در جامعه دارند. منظور وی این بوده که بخش‌هایی از جامعه برای عدم پیروزی جلیلی به رقیب وی رأی می‌دهند. اگر چنین وضعیتی وجود داشته باشد آیا باز هم اصولگرایان روی وی سرمایه‌گذاری سیاسی خواهند کرد؟**

در انتخابات ریاست جمهوری گذشته آقای جلیلی نفردوم شدند و در حدود ۱۳ میلیون رأی داشتند. این وضعیت نشان می‌دهد که آقای جلیلی نسبت به کاندیدای دیگر ریاست جمهوری از اقبال بیشتری در بین مردم برخوردار است. به هر حال فضای انتخابات تحت تأثیر تبلیغات و اظهارات و اقداماتی است که در آن مقطع زمانی توسط کاندیدای ریاست جمهوری صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی من معتقدم رأیی که آقای جلیلی در انتخابات گذشته به دست آورد رأی خوب و قابل قبولی بود. این نکته را نیز باید در نظر داشته باشیم که در فضای انتخابات گذشته تبلیغات زیادی برای پیروزی آقای پزشکیان انجام شد که زمینه را برای پیروزی ایشان در انتخابات فراهم کرد.

◀ **روندی که پزشکیشان در ماه‌های اخیر در مدیریت کشور در پیش گرفته‌اند به شکلی است که بتوان امیدوار بود در انتخابات بعدی نیز با اقبال مردمی مواجه شوند و یا اینکه فکر می‌کنید اتفاق دیگری رخ خواهد داد؟**

واقعیت این است که روندی که آقای پزشکیان در پیش گرفته‌اند تاکنون راضی‌کننده نبوده است. مشکلات کشور در این مدت بیشتر شده، تورم بالا رفته و موضوع ناترازی انرژی و قطعی برق تأثیر منفی بر عملکرد دولت در بین افکار عمومی جامعه داشته است. از سوی دیگر رودی که در فضای اقتصادی کشور وجود دارد نشان دهنده این است که روند مثبتی را شاهد نیستیم. هر چند هنوز برای تحلیل و بررسی عملکرد دولت آقای پزشکیان خیلی زود است و باید زمان بیشتری سپری شود تا بتوان با قطعیت در این زمینه صحبت کرد. آقای پزشکیشان هنوز سه سال فرصت دارد و در این مدت ممکن است اتفاقی رخ بدهد که شرایط را به سود ایشان تغییر دهد تا در انتخابات آینده همچنان از اقبال عموم مردم برخوردار باشند.

ایران و عربستان برای توسعه روابط بی‌ماین شکر گرفته است، بدون تأثیرپذیری از این حواشی استمرار پیدا خواهد کرد و همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند: «ارتباط خوب میان جمهوری اسلامی و عربستان برای هر دو کشور مفید خواهد بود و دو کشور می‌توانند تکمیل‌کننده‌یکدیگر باشند.»

همچنین سرپرست حجاج ایرانی با اشاره به انتشار کلیپی از یکی از روحانیون کشور در فضای مجازی گفت: گفته‌های این روحانی نظر شخصی اوست، ایشان یک نیروی فعال قرآنی است و انتظار از ایشان هم بیشتر است. سید عبدالفتاح نواب گفت: با توجه به شناختی که از این کشور به‌واسطه سال‌ها توفیق خدمتگزاری در عمره و حج دارم، وقتی این صحبت‌ها را شنیدم شگفت‌زده شدم و نباید چنین سخنانی گفته می‌شد.

محمد رضا عارف:

موضع‌گیری برخی افراد به روابط رو به بهبود با کشورهای اسلامی و منطقه آسیب می‌زند

می‌دانند و هر اظهار نظر و اقدامی که علیه منافع ملی انجام می‌دهند، هیچکس با آن‌ها کاری ندارد. این گروه نه‌تنها علیه منافع ملی اقدام می‌کند، بلکه عامه مردم را هم نسبت به نظام بدبین می‌کنند.

بیات رئیس سازمان حج و زیارت درواکنش به حاشیه‌های انتشار یک ویدئو در روزهای اخیر تصریح کرد: البته همواره در جریان وحدت کشورهای مسلمان، شاهد برخی رفتارهای مسئله‌ساز و خودسرانه هستیم، اما معتمدیم مسیر مثبتی که بااراده مقامات ارشد

پیش از یک نسل است که پرونده هسته‌ای همچون ابیری بر آسمان اقتصاد ایران سایه افکنده؛ هر تحول مثبت یا منفی در این پرونده، مستقیماً انتظارات و تصمیمات اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بن بست کنونی مذاکرات فضایی آکنده از ابهام و انتظار ایجاد کرده که عواقب آن به صورت روزمره در بازار و روان مردم مشاهده می‌شود. از منظر روانی نیز جامعه خسته شده است. مردمی که ۴۰ سال امید بسته‌اند شاید توافقی حاصل شود و اوضاع بهتر گردد، اکنون بیشتر دچار سرخوردگی و ناامیدی‌اند. وعده‌های مکرر مسئولان در دوره‌های مختلف که محقق نشد، اعتماد عمومی را فرسوده و صبر مردم را لبریز کرده است. کسب وکارها نیز یاد گرفته‌اند همواره یک سناریوی بدبینانه (ادامه وضعیت موجود) را مدنظر داشته باشند. این ذهنیت که «قرار نیست اتفاق مثبتی بیفتد» خود می‌تواند به نگاه منفی بینجامد و سرمایه‌ها را بیشتر از کشور فراری دهد. ایران امروز هنوز به آن نقطه بازگشت ناپذیر نرسیده است، اما نشانه‌های خطر را نمی‌توان نادیده گرفت. ترکیب بحران‌های اقتصادی، بحران‌های اجتماعی، بحران‌های زیست محیطی و انرژی خارجی، کشور ما را وارد منطقه قرمز خطر کرده است. این بحران‌ها در حال تشدید هستند؛ هر روز که می‌گذرد حل آن‌ها دشوارتر و هزینه‌برتر می‌شود. در چنین شرایطی، حاکمیت ایران باید شجاعت تصمیم‌های بزرگ را داشته باشد، وقت آن رسیده که اقدامات عملی و ملموس در چهار حوزه کلیدی آغاز شود؛ اصلاح سیاست خارجی (تنش‌زدایی و تعامل برای رفع تحریم‌ها)، اصلاحات اقتصادی ساختاری (انضباط مالی، مبارزه با فساد، خصوصی‌سازی واقعی، بهبود فضای کسب وکار)، اصلاحات

سیاسی – اجتماعی (افزایش مشارکت مردم در حاکمیت، احترام به حقوق و آزادی‌های شهروندی، آشتی با نسل جوان) و توجه به محیط زیست و توسعه پایدار. این چهار محور همچون چهار پایه یک میز هستند کشور زمانی بر این میز می‌ایستد و به آینده روشن می‌اندیشد و در مسیر آن کام بر می‌دارد که هر چهار پایه

محکم و مستحکم باشند و هرگونه بی‌توجهی به یکی از این ابعاد، کل طرح اصلاحات را متزلزل خواهد کرد. مشکلات اقتصادی و اجتماعی، وابسته به ایدئولوژی نیست و در منابع دینی آمده که اگر فقر را دری وارد خانه‌ای شود، ایمان از دري دیگر می‌رود. با این حساب؛ اگر حکمرانی ناکارآمد باشد، خروجی مشابهی خواهد داشت. البته مسئولان عالی‌رتبه بارها به خطرات اوضاع

اقتصادی اشاره کرده‌اند. برای نمونه، مقام معظم رهبری سال‌ها پیش به «جنگ اقتصادی دشمن» اشاره کردند و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را علاج دانستند؛ اما در عمل آن سیاست‌ها با چارندشای موفق نبود، چون بدون رفع تنش خارجی و اصلاح داخل، مقاومت اقتصادی مؤثر نیست. امروز حتی مقامات امنیتی نیز هشدار می‌دهند که نارضایتی عمومی و شکاف اجتماعی می‌تواند به ناامنی فراگیر بدل شود. این سخنان را باید جدی گرفت و به جای انکار یا توجه، چاره‌اندیشی کرد. مجموع مطالب این مقال یک پیام واحد دارد؛ ایران در مسیری حرکت می‌کند که انتهای آن یاس و ناامیدی و تاریکی است. مگر آنکه چاره‌اندیشی و مسیرش اصلاح شود. بحران‌های متعدد کشور در حال شبانگه شدن و یکدیگر را تقویت می‌کنند. اگر این چرخه معیوب شکسته نشود، ممکن است در زمانی نه چندان دور با وضعیتی مواجه شویم که کنترل از دست همه خارج شود و به قول آیت‌... هاشمی (فسنجانی)؛ سر چشمه شاید گرفتن به بیل/ چو بر شد نشاید گذشتن به پیل. هنوز روزنه امید باقی است.

ایران منابع مادی و معنوی کمی ندارد. نیروی انسانی جوان و با استعداد، ذخایر غنی طبیعی، موقعیت جغرافیایی ممتاز و هویتی تاریخی کهن می‌توانند جلوی بحران را بگیرند، به شرط آن‌که تصمیمات حاکمیتی عادلانه و مردمی جاگیرین رویه‌های کنونی شوند. اصلاحاتی که سال‌ها پیش با هزینه به مراتب کمتر قابل انجام بود، امروز باید با هزینه بیشتر و دردناک‌تر صورت گیرد. البته هرچه حل بحران‌ها عقب بیفتند، شدت تصاعدی آنها بیشتر می‌شود و تبعاتشان مهانشدنی‌تر. امروز فرصت اصلاحات ساختاری شاید آخرین فرصت‌ها باشد. باید چرخه بحران‌ها؛ یعنی زنجیره کسری بودجه، تورم و رکود را با انضباط مالی و رونق تولید شکست. باید حلقه تحریم، فقر و ناامنی را با تعامل سازنده و توسعه اقتصادی گسست و دور باطل فساد، بی‌اعتمادی و مشارکت‌گریزی را با شفافیت و آشتی ملی از هم گسیخت. انجام این ماموریت دشوار است؛ اما ناشدنی نیست. لازمه آن اراده سیاسی قوی، اجماع حاکمیتی و جلب مشارکت نخبگان و مردم است. در ادبیات دینی ما آمده که هیچ ملتی تغییر نمی‌کند مگر آنکه خود را تغییر دهد. تغییر رفتار نظام حکمرانی کلید تغییر سرنوشت ایران است. در پایان تأکید می‌نمایم که این نوشتار ناقوسی است که به صدا درآمده تا بیدارباشی برای مسئولان باشد. نه اغراق در کار است و نه سیاه‌نمایی، کیست که در ایران‌ها رکود را با باتمام وجود حس نکرده باشد. انتخاب و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور است، با‌دا که خردمندی پیشه کنند و ایران عزیز را از فروغلتیدن در گرداب تصاعدی بحران‌ها نجات دهند؛ ان‌شاء...!